فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد بازتاب هستی‌شناسی هنرمند تبعیدی در مستند میترا فراهانی

نویسنده: گروه تحریریه هم‌داستان

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



مستند فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد پرتره‌ای صادقانه و بی‌پرده از واپسین روزهای زندگی بهمن محصص، نقاش، مجسمه‌ساز، نمایشنامه‌نویس و مترجم ایرانی است که در تبعیدی خودخواسته در رم زندگی می‌کرد. این مستند، فراتر از روایت زندگی یک هنرمند، بازتابی از انزوای مدرن، سانسور، حذف تاریخی و زیست همجنس‌خواهانه در بستر تاریخ هنر ایران معاصر است. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و نشانه‌شناسی، ساختار بیانی و درون‌مایه‌های این مستند را بررسی کرده و نسبت آن را با واقعیت اجتماعی‌سیاسی ایران بازخوانی می‌کند.

فیلم مستند فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد (۲۰۱۳)، ساختهٔ میترا فراهانی، محصولی منحصربه‌فرد در سنت مستندسازی پرتره‌محور ایرانی است. فیلم در دو ماه واپسین زندگی بهمن محصص تصویربرداری شده است؛ هنرمندی که خودخواسته در تبعید زندگی کرد و آثارش در سال‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران مورد سانسور یا بی‌توجهی واقع شد. عنوان فیلم برگرفته از تابلویی از محصص است که فی‌فی، سگ نمادین او، را در حال زوزه کشیدن از شوق یا رنج نشان می‌دهد؛ استعاره‌ای از خود هنرمند در بستر تاریخ.

محصص در زمان فیلم‌برداری ۷۹ ساله بود و در هتلی کوچک در رم اقامت داشت. گفت‌وگوهای او با فراهانی، که گاه تلخ و گاه شوخ‌طبعانه‌اند، گواهی هستند از یک ذهن متفکر و هنرمند درگیر با مسئله فراموشی تاریخی. او در فیلم خود را **"پادشاه ناکام یک امپراتوری ذهنی"** معرفی می‌کند؛ هنرمندی که قربانی گفتمان‌های مسلط جنسی، سیاسی و فرهنگی

در ایران پیش و پس از انقلاب شد.

نکته مهم در فیلم، مواجهه او با افرادی چون رضا کیانیان است که برای خرید یکی از مجسمه‌های محصص به رم آمده‌اند. این تعامل میان دو نسل از هنرمندان، شکافی بنیادین در تاریخ هنر ایران را نمایان می‌کند: گسست میان هنرمند مدرنیست تبعیدی و گفتمان رسمی در ایران پس از انقلاب.

فراهانی در مقام فیلم‌ساز، نه تنها ناظر بلکه هم‌پرسشگر، همدرد و گاه محرک گفت‌وگوست. ساختار روایی فیلم خطی نیست؛ برش‌هایی از زندگی روزمره، تأملات فلسفی، نقدهای هنری و روایت‌های شخصی در کنار هم قرار می‌گیرند. استفاده از فریم‌های بسته، فضای محدود اتاق، نور طبیعی و سکوت‌های معنادار به عمق احساسی فیلم می‌افزاید.

یکی از ویژگی‌های برجسته فیلم، تماشای محصص در حال گفت‌وگو با اثر خویش است. او گاه نقاشی‌ها را ستایش می‌کند، گاه از آن‌ها بیزار است. این دوگانگی، به عنوان نشانه‌ای از درونی‌ترین تعارض هنرمند مدرن، در فیلم تکرار می‌شود.

محصص در بخشی از فیلم می‌گوید: «**آنچه را نتوان نشان داد، باید سوزاند.**» این جمله نه فقط به معنای واقعی سوزاندن آثارش اشاره دارد، بلکه بازتابی است از سرکوب گسترده‌ای که علیه هنرمندان مدرن و همجنس‌گرا در تاریخ معاصر ایران اعمال شده است.

سانسور، فراموشی و فقدان آرشیو منسجم، موضوعاتی تکرارشونده در فیلم هستند. فیلم نه‌تنها تلاش می‌کند محصص را بازنمایی کند، بلکه در عین حال او را از لابه‌لای تاریخ بازیابی می‌کند؛ همچون قطعه‌ای گمشده از پازل هنر ایران.

مستند فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد تنها یک پرتره نیست، بلکه تلاشی است برای احضار روح هنری که حذف شده، کنار گذاشته شده یا خودخواسته از صحنه خارج شده است. فیلم، با استفاده از روایت‌های چندلایه، مخاطب حرفه‌ای را به تأملی جدی درباره مفهوم هنرمند، تبعید، مرگ و حافظه تاریخی فرا می‌خواند.

منابع:

1. فراهانی، میترا (کارگردان). (۲۰۱۳). فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد. فرانسه–ایران.

2. BBC Persian. (2013). فیفی از خوشحالی زوزه می‌کشد: گفت‌وگو با ابراهیم گلستان

3. Wikipedia فارسی. «فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد.» بازیابی‌شده در ۲۰۲۵.

4. مصاحبه با میترا فراهانی. رادیو زمانه.

5. بهمن محصص و تاریخ هنر مدرن ایران. کتابچه هنرمندان معاصر. تهران: انتشارات نظر